

وضعیت ارتش پهلوی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی

۴ شهریور ۱۳۹۷ ساعت ۱۹:۳۲

مهمترین ویژگی ارتش پهلوی دوم در سرسپردگی اش به رأس هرم قدرت بوده است. اطاعت و وفاداری تام مهمترین دلیل پیشرفت در سلسله مراتب نظامی برای این فرماندهان بوده است. در چنین نظامی، ابتکار، جرأت و جسارت محلی از اعراب نداشته است. اینها ملزوماتی است که اکنون که برای اقدام به آنها نیاز است برای فرماندهان نظامی بی معنا و بی مفهوم است. این افسران حتی در انجام برنامه ریزی برای کودتا از هایزر درخواست دارند که امریکا خود اقدام مناسبی انجام دهد...

کافه تاریخ - مقالات

مشاهدات ژنرال هایزر از وضعیت ارتش شاهنشاهی

مهمترین سوالی که درباره عملکرد ارتش پهلوی در آستانه انقلاب اسلامی به ذهن متبادر می شود این است که زمانی که خروج شاه از کشور قطعی شد، شایعات گوناگونی درباره کودتای ارتش وجود داشت. اما سؤال اساسی مطرح شده این است که آیا ارتش از توانایی و قابلیت چنین کاری برخوردار بوده است یا نه؟ در ماههای پایان رژیم پهلوی، ترس و نگرانی امریکا از سقوط نظام سلطنت سبب شد تا ژنرال هایزر برای تضمین حمایت و پشتیبانی ارتش از دولت بختیار وارد ایران شود. هایزر در اینباره می نویسد: در خلال صحبت ها با افراد اداره مستشاری و سفارت، شایعات پر قدرتی در مورد یک گروه از افسران ایرانی شنیدم که سرگرم کار، روی یک طرح کودتا بودند. هیچ کس خارج از این گروه، نمی دانست که اعضای آن چه کسانی هستند و چه طرحی دارند. اما گفته می شود که آن ها در دو صورت وارد عمل خواهند شد. اول اینکه شاه مثل سال ۱۳۳۲/م ۱۹۵۳ش به سفر برود و دوم اینکه کاملاً قدرت را از دست بدهد. ۱. هایزر برای اطمینان از وجود چنین طرحی در همان ملاقات اول با فرماندهان ارشد نظامی - طوفانیان، ربیعی، حبیب اللهی، قره باغی - جویای این طرح می شود: از طوفانیان پرسیدم آیا شایعه وجود یک گروه طراح کودتا در ارتش درست است؟ وی قویاً چنین شایعه ای را تکذیب کرد و من دوباره اصرار کردم که آیا اصولاً طرحی برای کودتا وجود دارد؟ پاسخ منفی بود.

با ربیعی در مورد شایعه وجود طرح کودتا صحبت کردیم. آیا اگر شاه برود و دولت فعلی ناکام بماند، طرحی برای روی کار آمدن

ارتش وجود دارد؟ به عنوان یک دوست قدیمی می توانستم مستقیماً از او بپرسم که آیا هیأتی برای انجام این مقصود به وجود آمده است یا نه. وی تأیید کرد که هیأتی وجود دارد، اما کاملاً سرّی است، ولی قطعاً در آن در مورد کودتا صحبت شده است.

از حبیب اللّهی درباره هیأت (مجری کودتا) پرسیدم و به او گفتم که ربیعی همه چیز را گفته است و طوفانیان طفره رفته است. شما چه دارید به من بگویید؟ از پاسخ های او معلوم بود که چندان هم به نتایج کار این هیأت دل نبسته است. به نظر نمی رسید اصولاً طرح تفصیلی برای این کار داشته باشند. در ملاقات با قره باغی فرصتی دست داد که بحث را به هیأت (مجری کودتا) بکشانم: آیا شما از کارهای این هیأت خبر دارید؟ او گفت که اطلاعات کمی دارد، اما واقعاً اعتقاد دارد که هیأت در تاریکی به سر می برد. ۲

ارتش پوشالی شاه توان کودتا داشت؟

اما انجام چنین طرحی نیاز به برنامه ریزی دارد، افسران ارشد باید بتوانند چنین قابلیت و توانایی را عملی سازند. اگر قرار است ابتکاری صورت گیرد باید از سوی این فرماندهان که بالاترین مقامات نظامی در ارتش هستند صورت گیرد. اما نکته ای که وجود دارد این است که همان طور که دیدیم این ارتشتاران اساساً برای اعمال و اتخاذ ابتکار آموزش و تربیت نشده اند. آنان هر چه انجام داده اند اوامر همایونی بوده است که همیشه از بالا و از سوی شخص اول مملکت برای آنان دیکته شده است. مهمترین ویژگی این ارتش در سرسپردگی اش به رأس هرم قدرت بوده است. اطاعت و وفاداری تام مهمترین دلیل پیشرفت در سلسله مراتب نظامی برای این فرماندهان بوده است. در چنین نظامی، ابتکار، جرأت و جسارت محلی از اعراب نداشته است. اینها ملزوماتی است که اکنون که برای اقدام به آنها نیاز است برای فرماندهان نظامی بی معنا و بی مفهوم است. این افسران حتی در انجام برنامه ریزی برای کودتا از هایزر درخواست دارند که امریکا خود اقدام مناسبی انجام دهد. قره باغی در مقایسه ایرانیان و امریکاییان به هایزر چنین می گوید: یک نفر امریکایی مخفیانه به ایران سفر می کند و هر وقت که تنهاست اگر به اتاقش سر بکشید می بینید مشغول کارهایی است که باید بکند، کار آموزش که تمام بشود، برنامه کار فردا را می ریزد. در مورد افسران ایرانی، این طور نیست، باید به او دستور بدهید که چه کار کند، بعد هم باید نظارت کنید که آن کار را انجام دهد. ۳ بنابراین فرماندهان در چنین سیستمی فاقد استقلال، اختیار و توانایی لازم برای اخذ تصمیم بودند.

فرماندهان نظامی ارتش، تجربه سیاسی چندان نداشتند. آن ها به امر اعلی حضرت وارد سیاست می شدند و به امر او نیز از آن کناره گیری می کردند. ارتشبد از هاری در جلسه ۲۴/۴/۱۳۵۷ در جمع فرماندهان نظامی گفت: دیدی که ما داریم محدود و نمی توانیم مسائل را از زاویه ای که شاهنشاه آریامهر به مسائل نگاه می کنند ملاحظه نماییم. چرا فضای باز سیاسی اعلام شد. مطلبی

است که خود شاهنشاه می دانند. قدر یقین شاهنشاه آریامهر نمی خواهند که این وضعیت وجود داشته باشد. اما چون از دید بالایی به مسأله می نگرند و کاملاً به سیاست وارد و مسلط می باشند، می دانند کجا باید جلوی این وقایع را گرفت. بعضی از مسائل مربوط به نفت می باشد چون ما وارد نیستیم وارد جریان آن هم نمی شویم بهتر است. تا آن زمانی که اراده سینه ملوکانه دایر جلوگیری از این وضعیت شرف صدور یابد شهربانی هر کمکی که بخواهد در هر کجای ایران که باشد انجام می دهیم. ۴

ارتشبد طوفانیان هم معتقد بود: ما یک عمر مبارزه سیاسی ندیدیم. الان هم من بلد نیستیم، دیگر نمی دانم. قره باغی نیز در تأیید سخنان او گفت: همانطور که تیمسار ارتشبد فرمودند، ماها در کار سیاست هیچ وقت

نبوده ایم. ۵. فرماندهان نظامی چنین ارتشی نه تنها وظیفه خود را نمی دانند بلکه بلاتکلیف و سردرگم نیز هستند. خود شاه نیز در این بلاتکلیفی و بی هدفی دخیل بوده است. ارتشبد قره باغی در این زمینه چنین می نویسد: ... مجدداً عرض کردم که با توجه به مطالبی که در روزنامه ها ملاحظه می فرمایید و با توجه به وضع بحرانی و اغتشاشات کشور، اگر بعد از مسافرت اعلی حضرت اتفاقات پیش بینی نشده ای بروز کرد که برخلاف قانون اساسی بود چه باید بکنیم؟ در حالی که به قدم زدن ادامه می دادند، بعد از قدری تامل و سکوت فرمودند: ما که نمی دانیم چه می شود؟ هر کاری را با فرماندهان صلاح دانستید بکنید. ۶

طوفانیان می گوید: بالاخره ما شاه را فرمانده کل می نامیدیم و حتی مرخصی افسران می بایست به او گزارش می شد و انتصاب و همه چیز، همه چیز. بنابراین افسران به سیستم معینی عادت کرده بودند و وقتی کسی که در رأس سیستم بود می رفت، به عقیده من فروپاشی آن تقریباً حتمی بود. ۷

از سوی دیگر عوامل دیگری که از آن می توان به عنوان عملیات روانی نیروهای انقلابی علیه ارتش نام برد، سبب شدند که بقایای توان و روحیه نیروهای نظامی تحلیل برود. رفتاری که تظاهرکنندگان در خیابان ها با نیروهای اسلحه به دست از خود نشان می دادند، شعارهایی که تظاهرکنندگان سر می دادند و پیام هایی که امام(ره) برای نیروهای نظامی ارسال می کردند همگی عواملی بودند که آخرین تیرها را بر پیکر بی سر ارتش وارد می ساخت. بدره ای هشدار می دهد که: به نظر من ما نباید اصلاً اجازه بدهیم این فکر به مغز یک سرباز خطور کند که حتی یک گل بگیرد. چون شروعش با همین گل گرفتن است خطر آن موقع ما را تهدید می کند که بین ارتش و این عده رفاقت و دوستی برقرار شود. ۸

شعارهایی چون ارتش برادر ماست، یا برادر ارتشی، چرا برادر کشی، شعارهایی بودند که روحیه سربازان را در برخورد با تظاهرکنندگان تضعیف می کرد. امام(ره) در پیام هایی که برای ارتش می فرستد، ارتش را از ملت می دانست: ملت ایران موظف است که به درجه داران و افسران و صاحب منصبان شریف احترام بگذارند. چند نفر ارتشی خون خوار معلوم و از حساب ارتش ایران جداست. ارتش از ملت است و ملت از ارتش. با رفتن شاه خللی بر آن وارد نخواهد شد.

بنابراین با وجود چنین شرایطی که ارتش از استقلال عمل و ابتکار تهی شده بود و فرماندهان نظامی آن خود را عاجز از تصمیم گیری می دیدند، انجام کودتا از سوی فرماندهان نظامی محلی از اعراب نداشته است. و در نهایت در جلسه شورای عالی فرماندهان

پی نوشتها

۱. هایزر، رابرت. مأموریت در تهران. ترجمه ع. رشیدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵، ص ۲۴.
۲. همان، صص ۴۳ و ۳۷ و ۳۳ و ۲۶.
۳. همان، ص ۴۳.
۴. ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شده ایم، مشروح مذاکرات فرماندهان نظامی در تاریخهای ۲۴ و ۳۰/۵/۱۳۵۷، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۴۰-۴۱.
۵. مثل برف آب خواهیم شد، مذاکرات شورای فرماندهان ارتش (دی - بهمن ۱۳۵۷)، تهران: نی، ۱۳۶۵، ص ۲۴۴.
۶. قره باغی، پیشین، صص ۱۶۴-۱۶۵.
۷. همایون کاتوزیان، نظام پهلوی در ایران، در: شهابی، لینز، پیشین، ص ۳۹۶.
۸. مثل برف آب خواهیم شد، پیشین، ص ۵۹.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۷۱۶۳/اسلامی-انقلاب-پیروزی-آستانه-پهلوی-ارتش-وضعیت>